

مروری بر افکار وهابیت و جایگاه آن در  
جهان / باورهای فطرت ستیز

## مروری بر افکار وهابیت و جایگاه آن در جهان / باورهای فطرت ستیز

وهابیت نام فرقه ای انحرافی است که در قرن دوازده هجری توسط محمد بن عبدالوهاب در شبه جزیره عربستان پدید آمد. پیروان این فرقه، تنها خود را بر حق دانسته و پیروان مذاهب دیگر اسلامی را کافر، مشرک و خارج از حوزه اسلام می شمرند. در مقاله حاضر ابتدا نگاهی به زندگی مؤسس وهابیت و افکار وی میشود و در ادامه به مراکز تبلیغی وهابیت در عربستان و رشد آن در خارج از این کشور پرداخته میشود.

### مقدمه:

مسلك جعلی وهابیت، بیش از دو قرن است که همچون موریانه ای، به دنبال تخریب دین و تهی نمودن آن است. مسلكی که به هیچ وجه سازگاری عقلایی ندارد و با روش های ملایم با فطرت عقلا کاملاً بیگانه است. 1. وهابیت از فرق نسبتاً نو پای اسلامی است، که در زادگاه اسلام، یعنی در عربستان رشد یافته و به دلیل پشتوانه قوی سیاسی و اقتصادی، در حال گسترش به دیگر نقاط اسلامی است. از آنجا که پیروان این فرقه، تنها خود را بر حق دانسته و پیروان مذاهب دیگر اسلامی را کافر، مشرک و خارج از حوزه اسلام می شمرند، اهمیت مطالعه و تدقیق در اصول فکری این مکتب آشکار می گردد. 2.

### تاریخچه وهابیت:

در آغاز قرن هشتم هجری، فردی موسوم به احمد بن تیمه، بر برخی سنن و عقاید رایج مسلمانان انگشت اعتراض نهاد و گرایش به آنها را مایه شرک و دوری از توحید پنداشت. 3. در نتیجه عالمان و فقیهان مذاهب مختلف بر او سخت گرفتند و وی را طرد و حبس کردند تا اینکه در زندان در گذشت. 4.

احمد بن تیمه بخدی (پایه گذار وهابیت)، در سال 661 هجری قمری پنج سال پس از سقوط خلافت بغداد در حرّان که از توابع شام است، به دنیا آمد. تحصیلات نخستین را تا 17 سالگی در آن سرزمین به پایان برد. در آن روزگار که حمله مغولان به اطراف شام، ترس عجیبی در دلها افکنده بود، خانواده ابن تیمه، حرّان را به سوی دمشق ترک کردند و در آنجا اقامت گزیدند. تا سال 698 ه ق چیزی از احمد شنیده نشد؛ ولی از آغاز قرن هشتم هجری. ق افکار مخرب وی ظهور و بروز یافت؛ به خصوص زمانی که ساکنین حماة از وی خواستند، آیه «الرحمن علی العرش استوی» را تفسیر کند. وی در تفسیر این آیه، برای خداوند جایگاهی در فراز آسمان ها که بر عرش و سربری متکی است، تعیین کرد. انتشار پاسخ ابن تیمه در دمشق و اطراف آن غوغایی به راه انداخت؛ به طوری که علمایی چون جلال الدین حنفی، قاضی وقت، محاکمه وی را خواستار شد. ابن تیمه، پیوسته افکار عمومی را به نظرات خلاف مشهور و رایج خود متشنج و پریشان می کرد، تا اینکه بالاخره در سال 705 ه. ق در دادگاه محکوم و به مصر تبعید شد. وی در سال 707 از زندان آزاد شد و سال 712 به شام بازگشت و در آنجا به نشر افکار و نظریات خود پرداخت تا اینکه مجدداً در سال 721 به زندان محکوم شد و در سال 728 در زندان مرد. 5.

تداوم افکار ابن تیمه توسط محمد بن عبدالوهاب

اندیشه های باطل ابن تیمه، پس از مرگ وی نابود نشد و برخی شاگردان او مسیر استادشان را طی و مذهب وی را ترویج کردند. البته بحث ها و آموزه های آنان به شکست انجامید و چندان اثری در میان مسلمانان نداشت 6 تا اینکه حدود پانصد سال بعد، آرای وی توسط فردی معروف به عبدالوهاب، از انزوا و گمنامی به در آمد و با ترویج آن به وسیله قدرت شمشیر، موجی نو از تفرقه و کشتار میان مسلمانان به راه انداخت.

متأسفانه طرح مجدد افکار ابن تیمه از سوی محمد بن عبدالوهاب (1206 1115 ه. ق) در شرایط و اوضاع تاریخی بسیار نامناسبی صورت گرفت؛ چنان که گویی اساساً وضع این افکار، برای ایجاد شکاف و اختلاف میان مسلمین، آن هم در بدترین اوضاع و شرایط تاریخی بود. ترویج آرای ابن تیمه از سوی محمد بن عبدالوهاب (که عنوان مکتب وهابیت را به خود گرفت) و سپس حمله وهابیان با پشتیبانی سیاسی نظامی شیوخ برخی قبایل بحد، به مناطق مسلمان نشین حجاز، عراق، شام و یمن، در دهه های نخست قرن 13 هجری صورت پذیرفت. این در حالی بود که امت اسلامی از چهار سو، مورد حمله و حمله شدید استعمار گران مسیحی قرار داشت. انگلیسی ها، فرانسوی ها، روس ها و آمریکایی ها، هر یک گرگ صفتانه، امت مظلوم و پریشان اسلامی را مورد حمله قرار داده بودند.

در چنین دوران سختی که مسلمانان به همدلی و همکاری بر ضد دشمن مشترک نیاز حیاتی داشتند، محمد بن عبدالوهاب، مسلمانان را به جرم شفاعت خواهی از پاکان و زیارت قبور اولیای خدا، مشرک، بت پرست و واجب القتل خواند عرب های بادیه نشین را برانگیخت که مناطق شیعه نشین و سنی نشین حجاز، عراق، شام و یمن را به خاک و خون بکشد و اموال مسلمانان را به عنوان غنیمت جهاد با کفار به غارت برند.

نکته بسیار عجیب و غیر قابل هضم در این کار، جریان فتوای محمد بن عبدالوهاب به تکفیر مسلمانان جهان و تشویق پیروان خویش، به قتل و غارت آنان، به اتهام شرک و بت پرستی است که صحنه های جانگدازی در طول دو قرن اخیر پیش آورده است. چنین فتوایی در میان پیروان ادیان الهی کمتر سابقه دارد. 7. خشونت و وحشی گری که در ذات این مکتب نهفته و مظاهر آن در حمله و کشتار بی سابقه مردم مظلوم کربلای معلّا، در سال 1343 ه ق که حدود 7000 نفر از علما، سادات و مردم را قلع و قمع کردند، نمودار گشته است. 8.

بدین ترتیب شاهد آن هستیم که متأسفانه چگونه بر جنایات محمد بن عبدالوهاب و حاکمان سیاسی هم عصرش، نام جهاد فی سبیل الله و اصلاح دینی نهاده می شود و تصرفات سیاسی صیغه مذهبی می یابد. این است که از همان ابتدا، حکومت سعودی با وهابیت پیوندی عمیق خورده، هر یک از این دو برای تقویت خود، به دفاع و طرفداری از دیگری می پردازند.

برای روشن تر شدن کیفیت همکاری علمای وهابی با دولت حاکم، سخن الیاسینی را عیناً نقل می کنیم: «تعالیم وهابی، حکومت سعودی را در جزیره العرب محکم و استوار کرد. محمد بن عبدالوهاب تأکید بسیار داشت که اطاعت حکام واجب است؛ حتی اگر ظالم باشند. اوامر حکام، تا زمانی که با قواعد دین تضاد و مخالفتی نداشته باشد، باید اطاعت شود و علما قیم و مسئول شرح و تفسیر آن قواعد هستند. عبدالوهاب، صبر در برابر ظلم حکام را توصیه می کرد و از قیام مسلحانه علیه حکومت نهی می کرد...».

وهابیون در مورد مسئله اطاعت از هر حاکمی خواه ظالم خواه عادل به احادیث و عمل برخی صحابه استناد می کنند؛ از جمله آنکه «الجهاد واجب علیکم مع کل امیر برا کان او فاجراً» حال آنکه این تفکر مخالف قرآن است و آیات بسیاری، تبعیت از ظالمان را معصیت می داند و از آن

نهی می کند. از جمله آیه «ولا تعاونوا علی الاثم و العدوان...» (مائده /2) احادیث نیز از اطاعت مخلوق گناهکار نهی می کنند: «لا طاعة لمخلوق فی معصية الخالق». 9  
نظرات و دیدگاه های محمد بن الوهاب

### 1. اقسام توحید از نظر محمد بن عبدالوهاب:

توحید، موضوع محوری مذهب وهابیت است؛ به گونه ای که محمد بن عبدالوهاب آن را همان دین اسلام و دین الله می شمرد. 10 در واقع تقسیم بندی و تعریف او از توحید شالوده دیدگاه های او است. از این رو به جهت اهمیت بحث، به تفصیل به این موضوع می پردازیم. تقسیمی که محمد بن عبدالوهاب از توحید ارائه داده، در آثار خود او متفاوت است. وی در برخی رسالاتش، توحید را به دو بخش ربوبی و الوهی تقسیم می کند. 11 و در برخی نوشته هایش، آن را شامل سه بخش ربوبی، الوهی و اسماء و صفات می داند. از این رو در کتبی که پیرامون عقاید وی تالیف شده نیز، هر دو شق تقسیم به چشم می خورد.

همین امر موجب شده که ابن مرزوق بگوید: محمد بن عبدالوهاب در تقسیم توحید، در سه موضع آن را به دو بخش تقسیم کرده و در یک موضع آن را دارای سه اصل دانسته است. همین بی ثباتی و تذبذب، دال بر جهل او نسبت به اصول دین است و اگر گفته می شود که این مسئله تغییر در اجتهاد و رسیدن به تقسیم بندی جدیدی است، پاسخ این است که این گفته فاسد است، زیرا اجتهاد در فروع است؛ نه در اصول.

الف. توحید ربوبی: عبدالوهاب در نامه ای به عبدالله بن سحیم می نویسد: «توحید ربوبی آن است که خدای سبحان، در خلق و تدبیر ملائکه، انبیا و موجودات دیگر متفرد است و این حقی انکارناپذیر است؛ اما انسان با این اعتقاد مسلمان نمی شود، چرا که اکثریت مردم به این مسئله معترف هستند. آن گونه که در قرآن آمده است: «ولئن سالتهم من خلق السموات و الارض و سخر الشمس و القمر ليقولن الله» (عنکبوت /61). در حقیقت توحید ربوبی وحدت و یگانگی خدا در عمل، خلق، تدبیر و تصرفات است. 12

ب. توحید الوهی: عبدالوهاب توحید الوهی را آن می داند که جز خدا پرستیده نشود؛ نه هیچ ملک مقربی و نه هیچ نبی مرسلی. توحید الوهی آن است که تمامی صور عبادت انسان باید مختص خدا باشد. محمد (ص) شایسته عبادت نیست، بلکه رسولی است که باید تبعیت شود. ج. توحید اسما و صفات: این قسم از توحید، با خصوصیات و صفات خدا سر و کار دارد و در بر دارنده اعتقاد به صفات خدا که در قرآن آمده است؛ مانند: الرحمن الرحیم، الواحد الاحد، علی العرش استوی (یونس /5). پس از این سخنان محمد بن عبدالوهاب، چنین نتیجه می گیرد: «کسانی که به انبیا و اولیا متوسل می شوند، از آنان شفاعت می جویند و هنگام سختی ها آنان را می خوانند، در واقع عبادت کنندگان و پرستندگان همان انبیا هستند... در توحید ربوبی این افراد خللی وارد نشده؛ اما توحید الوهی آنان از بین رفته است، زیرا عبادت مختص خدا را ترک کردند و این مسئله در مورد زوار قبور و متوسلان به آنها که چیزی را از آنها درخواست می کنند که جز خدا بر آن قادر نیست نیز صادق است.

از همین جاست که پای تکفیر مسلمانان و مساوی قرار دادن توسل و استغاثه، با شرک به میان کشیده می شود. وهابیون در مورد صفات خدا، به ظاهر نصوص (کتاب و سنت) بسنده می کنند و تفسیر و تاویل آیات را نمی پذیرند و حتی تأویل را کفر و کذب به خدا و رسول می دانند؛ البته تشبیه صفات خدا به صفات مخلوقان را نیز قبول ندارند؛ از این رو آیاتی چون «بل یداه مبسوطتان» (مائده /64)؛ «واصنع الفلک باعیننا» (هود /37)؛ «و جاء ربک و الملك صفا صفا» (فجر /22) و... بر ظاهر حمل کرده، خدا را دارای اعضا می دانند و نشستن، ایستادن، خندیدن و

صحبت کردن را در مورد خدا صادق می دانند 13.

### توسل جستن به پیامبران و اولیا

به گفته سید محسن امین، مسئله توسل به چند صورت تحقق می یابد: نخست آنکه انسان خود پیامبر را واسطه درگاه الهی قرار دهد؛ دو آنکه به احترام پیامبر و منزلت او، انسان حاجتی را بخواهد و سوم آنکه خدا را به پیامبر و جان او سوگند دهد. 14. البته همه این سه قسم، به یک چیز باز می گردد و آن اینکه پیامبر (ص) را به علت احترام و منزلتی که نزد خدا دارد، میان خود و خدا وسیله و واسطه قرار دهیم. وهابی ها با توسل، به هر شکل آن، کاملاً مخالف بوده، آن را شرک اکبر می دانند. به اعتقاد محمد بن عبدالوهاب، توسل نمی تواند، بی اجازه و رضایت خدا به دست آید، چرا که شخص پیامبر نمی توانست بدون اراده خداوند، آنهایی را که خود می خواهد، هدایت کند و نیز اجازه نداشت، برای مشرکان طلب بخشایش کند. همچنین عمل طلب از مردگان و توسل به آنها نیز منع شده است 15.

علمای وهابی می گویند: «توسل به غیر خدا، زیارت قبور و نماز خواندن در مکانی که قبر پیش روی انسان باشد، مخالف توحید است، لازمه توحید آن است که به غیر خدا متوسل نشود و از غیر او استمداد نگیرد؛ اگر چه پیامبر اسلام باشد. چه توسل، شفاعت و زیارت قبور از سنت پیامبر و سلف صالح نرسیده و قرآن نیز این عقیده را شرک می داند». 16. این قیاس ها به چند دلیل باطل است:

1. در این قیاس ها، پیامبر یا اولیای خدا، به جای بتها گذاشته شده اند.
2. مؤمنان و متوسلان به نبی (ص)، همانند بت پرستان و بی اعتقادان به خدا فرض شده اند.
3. توسل، استغاثه و شفاعت، با واژه «عبادت» هم معنی گرفته شده اند؛ در حالی که هر یک معنای خاص خود را دارند.

### شفاعت

محمد بن عبدالوهاب در کشف الشبهات، درباره مسئله شفاعت چنین آورده است: «ما منکر شفاعت نیستیم، بلکه پیامبر را شفیع دانسته، به شفاعت او امیدواریم؛ اما شفاعت برای خداست و جز به اذن خدا کسی توانایی شفاعت کردن را ندارد». 17. به عبارتی وهابیان طلب شفاعت از کسانی را که خدا برای آنان حق شفاعت قرار داده (مانند پیامبران، صالحان و ملائکه)، منع کرده و درخواست شفاعت را کفر دانسته اند و به همین جهت، خون و اموال شفاعت خواهان را مباح شمرده اند. 18.

این گونه اظهارات وهابیان در مورد شفاعت مردود است، زیرا آنان در سخنان خود استنباط جزئی یا بریده از قرآن ارائه می کنند؛ برای مثال آیه «فلا تدعوا مع الله احداً» که بخشی از آیه 18 سوره مبارکه جن است، به صورت منفصل آورده شده تا مراد نویسنده را تأمین و معنی توسل و استغاثه را افاده کند؛ حال آنکه کل آیه چنین است: «و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً» و مقصود از دعا در این آیه، عبادت کردن است؛ نه خواندن و ندا. مسئله دیگر اینکه چه کسی در شفاعت، پیامبر یا اولیای الهی را رب که اله و مبدأ خود شمرده است یا اینکه چه کسی در شفاعت، پیامبر و اولیای الهی را مستقل در اثر خوانده است؟ بدعت:

بدعت از دیگر موضوعاتی است که وهابیون به آن پرداخته اند. هر عقیده یا عملی که بر پایه قرآن، سنت یا عمل صحابه پیامبر بنا نشده باشد، بدعت نام دارد. محمد بن عبدالوهاب تمامی صور بدعت را رد کرده است. وی اعمالی چون برگزاری جشن برای میلاد پیامبر، توسل، خواندن

فاتحه پس از نمازهای روزانه و بسیار اعمال دیگر را بدعت می شمرد و در این باره به آیه 21 سوره احزاب استناد می کند: «لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة لمن كان يرجوا الله و اليوم الاخر و ذكر الله كثيراً» این آیه بر همه مسلمانان واجب می کند که جمیع عقاید و اعمالشان را از قرآن و سنت پیامبر برگیرند. همچنین وی برای رد بدعت به حدیث «كل بدعة ضلالة و كل ضلالة في النار» استناد می کند.

در حالی که در اسلام، احکام شرعی یکی از این چند وجه را دارند: وجوب، حرمت، کراهت، استحباب، و اگر عملی مشمول هیچ یک از این احکام نباشد، مباح است.

هر گاه دلیلی مبنی بر حرمت، وجوب، کراهت یا استحباب عملی از سوی شارع وارد نشده باشد، اصل بر مباح بودن آن است که آن را «اصالة الاباحة» می گویند. در مقابل این قاعده که در فقه شیعه جاری می شود، محمد بن عبدالوهاب، «اصالة الحظر» یا «اصالة المنع» را جعل کرده است. وی بسیاری اعمال، از جمله تزئین مساجد را چون در سنت موجود نبوده، بدعت و حرام می داند. 19

### تکفیر مسلمانان

از مهم ترین اصول مذهب وهابیون، تکفیر مسلمانان دیگر و هر مسلمانی است که با عقیده آنان هم رأی نباشد. برای تصریح نظر وهابیون به سخنانی از عبدالوهاب استناد می شود: «کسانی که به غیر خدا متوسل می شوند، همگی کافر و مرتد از اسلام هستند و هر کس که کفر آنان را انکار کند، یا بگوید که اعمالشان باطل است؛ اما کفر نیست، خود حداقل فاسق است و شهادتش پذیرفته نیست و نمی توان پشت او نماز گزارد. در واقع دین اسلام، جز با برائت از اینان و تکفیرشان صحیح نمی شود. انسان با ظلم از اسلام خارج می شود و به فرموده قرآن، «ان الشرك لظلم عظيم» (لقمان /13). اینکه به ما می گویند: ما مسلمانان را تکفیر می کنیم، سخن درستی نیست، زیرا ما جز مشرکان، را تکفیر نکرده ایم».

محمد بن عبدالوهاب در پاسخ به کسانی که می گویند: تکفیر مسلمانان با انجام گناه جایز نیست می گوید: «مسلمانان با شرک کافر می شوند... در ضمن بسیاری بوده اند که اهل شریعت و نماز و روزه و مجاهده بودند؛ اما در عین حال، اهل آتش و عذاب بودند. از جمله، منافقان و خوارج که علی (ع) با آنان جنگید. همچنین کسانی که در حق علی (ع) غلو کردند، به فرمان علی (ع) سوزانده شدند. نیز اهل رده که زکات نمی پرداختند و صحابه با آنها جنگیدند، همه از این دسته اند».

بطلان این سخنان بر همگام آشکار است؛ با این همه، دلایلی را در رد آنها بیان می کنیم. شیخ سلیمان بن عبدالوهاب در کتاب الصواعق الالهیه، در تعریف کفر چنین آورده است: «کفر زمانی حاصل می شود که انسان با زبان سب حضرت رسول کرده، از دین بیزارى بجوید، یا آگاهانه انکار احکام دین کرده و کفر را بر ایمان ترجیح دهد. این کفری است که هر مسلمانی بر آن صحه می گذارد».

همچنین او به برادر خود محمد بن عبدالوهاب چنین ایراد می گیرد: «اعمالی همچون نذر، ذبح، توسل، تبرک به قبور و... بر فرض آنکه حرام باشند، دلیلی در شرع وجود ندارد که این اعمال را شرک، آن هم شرک اکبری که قرآن موجب حبط عمل می داند، بر شماریم و به واسطه آن خون و مال مسلمانی را حلال کنیم».

وهابیون که همیشه دیگر مسلمانان را به خوارج تشبیه می کنند، خود وضعیتی مشابه آنان دارند، زیرا روش، فتاوا و سیاستی که در قبال امت اسلام در پیش گرفتند، در امتداد روش خوارج است، زیرا همانند خوارج، برداشتی غلط و بسته از اسلام، قرآن و خلافت الهی دارند و از روی

جهل و بی خردی، به تکفیر مسلمانان پرداخته، ریختن خون و غارت اموال آنان را مباح می دانند. 20

### آثار و عملکردهای فرهنگی علمی وهابیان (در داخل عربستان)

پس از آغاز و استمرار دعوت وهابیان و استقرار حاکمیت آل سعود، بیشتر شهرهای جزیره العرب چون مکه، مدینه، طائف و... به تصرف و اشغال حاکمان سعودی درآمد به اجبار، آیین وهابیان رسمیت یافت؛ اما تعدادی از مسلمانان مناطق شرقی که قبلاً شیعه اثنا عشری بودند، تسلیم نشدند و هنوز هم به اعتقاد خود عمل می کنند.

وهابیان نسبت به آیین ها و شعایر مذهبی سخت گیری زیادی می کنند و با تعمیر و ساختن قبور پیامبران، زیارت قبور اموات، توسل به اولیای الهی، نذر برای مردگان و... به طور جدی مبارزه می کنند.

تمامی کتب، مجلات و سخنان خطبا در مساجد، به ویژه مسجد الحرام و مسجد النبی که چاپ، منتشر و ایراد می شود، درباره مباحث توحید، شرک، بدعت و نهی مردم در استفاده از دعا، توسل و شفاعت است.

تبلیغ وهابی گری در داخل عربستان، از طرق گوناگون صورت می پذیرد. وزارت حج، اوقاف، ارشاد و شئونوات اسلامی، از جمله مراکز تبلیغ وهابی گری است. به دلیل اهمیتی که مسئله حج در میان مسلمانان جهان دارد، همه ساله میلیون ها زن و مرد مسلمان عاشق به قصد حضور در مراسم عبادی سیاسی حج و زیارت قبر مقدس پیامبر گرامی و صحابه ایشان و بازدید از اماکن تاریخی، عازم عربستان می شوند. از این رو حاکمان سعودی وزارت خانه مستقلی به نام حج تشکیل داده اند که وظیفه اساسی و مهم آن رسیدگی به مسایل حج و حجاج و پاسخ به احکام و سوالات شرعی حاجیان، طبق مذهب وهابیت است.

این وزارتخانه به طور منظم، کتب و مجلاتی برای عرضه در مکان های تاریخی و اعمال مذهبی مسلمانان طبق مذهب وهابیت چاپ و منتشر می کند.

همچنین مراکز دانشگاهی مختلفی چون جامعه ام القرى، الجامعة الاسلامیه بالمدينة المنورة، جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه، جامعه الملك سعود و مراکز علمی از قبیل رابطه العالم الاسلامی و رئاسة ادارات البحوث العلمیه و الافتاء و الدعوة الارشاد، به ترویج آیین وهابیت و تعمیم آن در سراسر عربستان می پردازند و برخی مراکز علمی، فتاواهای لازم برای احکام شرعی را بی توجه به مذاهب مشهور اهل سنت (حنبلی، شافعی، حنفی و مالکی) صادر می کنند. و مردم نیز موظف به اطاعت و پیروی از آن هستند. 21

### حوزه های علمی و مراکز آموزشی دینی

در کشور عربستان، چیزی به نام حوزه علمی، آن گونه که در کشورهای شیعه نشین مرسوم بوده و هست، وجود ندارد. پس از استقرار دولت عربستان سعودی، دولت تلاش زیادی به عمل آورد تا غیر از مراکز دانشگاهی، مرکزیتی به عنوان حوزه های علمی شیعه یا مدارس امام خطیب، چون الجامعات الاسلامیه در عثمانی و جامع الازهر در مصر به وجود نیاید. در واقع، حوزه های علمی دینی عربستان، شکل دانشگاهی تکامل یافته است؛ به گونه ای که مروج آیین و مذهب رسمی وهابیت هم هستند.

در کشور عربستان، هرگونه فعالیت مذهبی، خارج از آیین وهابیت ممنوع است و به شدت با آن برخورد می شود. البته در میان وهابیان نیز گرایش های مختلف تند روی افراطی، سنت گرا، معتدل و میانه رو وجود دارد. ارتباط و وابستگی شدید سیاسی، نظامی و اقتصادی کشور عربستان به امریکا، انگلستان، مسئله فلسطین، مسائل حج و برخورد با حجاج ایرانی در سال



1366 شمسی، جنگ عراق و ایران، مسئله افغانستان، گروه سپاه صحابه و گروه طالبان موجب اعتراض و شورش های متعددی در شهرهای مکه، مدینه و مناطق دیگر، به ویژه مناطق شیعه نشین شده است. از این رو دولت سعودی در نصب مسئولان دینی سیاسی و اقتصادی دقت زیادی می کند تا مبدا مخالفان سیاستهای آل سعود، میدان و فرصت فعالیت بیابند.

### مراکز انتشاراتی، رسانه ای و کتاب خانه ای

حکام وهابی آل سعود، از تمامی امکاناتی که از استخراج بی حد و حساب نفت به دست می آید، در راه تبلیغ حکومت استبدادی سعودی و آیین منحرف وهابیت استفاده می کنند. از مهم ترین فعالیت های مراکز فرهنگی رسانه ای (رادیو، تلویزیون و مطبوعات)، تلاش برای عرضه نظام حکومتی آل سعود و آیین وهابیت، به عنوان بهترین تشکیلات اداری و مذهبی مورد علاقه مردم و هماهنگ با قرآن و سنت نبوی است. هرگونه تحقیق و پژوهشی که همگام با این برنامه ها باشد، تهیه، تنظیم، منتشر، نگهداری و تبلیغ می شود و هرگونه تألیف و تحقیقی که با مذاهب دیگر، به خصوص شیعه دوازده امامی موافق باشد، به عنوان انحراف از دین اسلام و بدعت و کفر معرفی می شود و مردم را از نزدیک شدن به آن منع می کنند.

شش کتابخانه مهم و بزرگ در عربستان به وهابیون تعلق دارد و بیش از 117 مرکز انتشاراتی و چاپخانه در زمینه چاپ و انتشار کتاب و مجله در عربستان فعالیت دارند. بخش مهمی از کتابهای منتشره به رد عقاید مذهب شیعه و دشمنی و ضدیت با آن، به ویژه با انقلاب اسلامی ایران دارد که ناشران با دستور حاکمان وهابی با جدیت، آنها را چاپ و در داخل عربستان و خارج آن، در میان مسلمانان و غیر مسلمانان (بیشتر به صورت هدایی) توزیع می کنند. 22

از مسائل مهمی که در بیشتر این کتابها به چشم می خورد و نویسندگان وهابی آن را مطرح می کنند، مسئله اختصاصی دانستن تفسیر اسلام و سنت نبوی به مرکز وحی (حرمین شریفین) و علما و ساکنان آن است و هر گونه عقیده و تفکری را که خارج از محیط حرمین، در سراسر جهان مطرح شود، باطل می دانند.

دانشمندان وهابی خود را متولیان و مفسران جهان اسلام می دانند و داعیه رهبری آن را دارند. آنان با فراخوانی متفکران و دانشمندان جهان اسلام و با در اختیار گذاشتن امکانات، در راه این هدف تلاش می کنند.

### تبلیغ وهابی گری در خارج عربستان

تبلیغ وهابیت در کشورهای اسلامی، مسئله جدی است. انحرافات اساسی این فرقه علاوه بر اینکه از آرا و پندارهای پیشوایان سلفی گری (ابن تیمه و محمد بن عبدالوهاب) نشأت گرفته است، به عنوان ابزاری در دست استعمارگران و سیاست های شیطانی امریکا و انگلستان قرار دارد و یکی از عوامل اصلی ایجاد اختلاف و تفرقه میان مسلمانان محسوب می شود. تفرقه و تشتت در دنیای اسلام، خواست استکبار جهانی به سرکردگی آمریکاست. و با تشدید آن، دشمنان اسلام و مسلمانان، بیشترین بهره را از ذخایر مادی و معنوی کشورهای اسلامی برده اند.

اکنون بعضی کشورها را که وهابیان در تبلیغ آیین وهابیت در آنجا موفق بوده اند، مورد بررسی قرار می گیرد:

### پاکستان:

کشور اسلامی پاکستان، با چهار ایالات پنجاب، سرحد، سند و بلوچستان در همسایگی شرق ایران، با فرهنگ سنتی اسلامی و حاکمیتی حزبی، همواره مورد طمع و تجاوز استعمارگران خارجی بوده است.



مهم ترین احزاب این کشور حزب «مردم»، «جماعت اسلامی»، «استقلال» و «نهضت اجرای فقه جعفری» هستند و این کشور به دو دلیل (فقر فرهنگی و نفوذ روحانیون متعصب و مخالف شیعه)، از عمده ترین مراکز تبلیغ وهابیت در میان کشورهای اسلامی است. گروه های پاکستانی وهابی مذهب، گاه به صورت حزب سیاسی، با نفوذ در دولت و گاه به صورت گروه های فرقه گرای تروریستی و گاه به صورت فعالیت های فرهنگی عمل می کنند. بخش زیادی از روحانیان طرفدار آیین وهابیت در پاکستان، دروس دینی خود را در کشور عربستان گذرانده یا با حمایت مالی، سیاسی و فرهنگی سعودی ها، به مسئولیت ها و مناصب مهم دست یافته اند.<sup>23</sup>

سفارت و نمایندگی های عربستان سعودی در پاکستان، همواره از فعالیت های گروه های فرقه گرا و مخالف شیعیان، حمایت کرده و تعداد زیادی از جوانان این کشور را برای تحصیل در دانشگاه ها و مراکز علمی عربستان جذب می کنند و از تأسیس گروه های تروریستی و حمایت مالی و سیاسی آنان غافل نیستند.

#### الف. گروه سپاه صحابه

«سپاه صحابه» نمونه کامل یک حزب تفرقه گرا و مورد حمایت عربستان در پاکستان است. این حزب در سال 1984 میلادی، توسط فردی به نام حق نواز جهنگوی، در شهر جهنگ (ایالت پنجاب) در زمان حکومت ژنرال ضیاء الحق تأسیس و با سرعتی بی سابقه، در سراسر کشور گسترش یافت. مراکز فعالیت سپاه صحابه (شهرهای سیالکوت، فیصل آباد و جهنگ و...)، مناطقی هستند که قبلاً محل فعالیت فئودال های سنی مذهب بوده و تأسیس سپاه صحابه از ابزارهای فئودال های سنی مذهب، برای مبارزه با شیعیان است.<sup>24</sup>

از سوی دیگر، عربستان سعودی که پشتیبان سر سخت ضیاء الحق بود، از سپاه صحابه و فعالیت های آنان حمایت مالی و سیاسی می کرد. از شعارها و اهداف تأسیس سپاه صحابه، دفاع از احترام به صحابه (گرایش وهابیان) و مبارزه با افکار شیعیان (به بهانه مخالفت با صحابه) و انقلاب اسلامی ایران است. تبلیغات گسترده و گمراه کننده آنها و کارهایی مانند آدم ربایی، سرقت مسلحانه، ترور، کشتار جمعی (بمب گذاری) و اعمال وحشیانه دیگر، موجب ایجاد وحشت و دلهره در میان شیعیان شده است.<sup>25</sup>

#### ب. دکتر احسان الهی ظهیر

وی که متولد پاکستان است تحصیلات خود را در عربستان و با حمایت مالی وهابیان سعودی طی کرد. او از مهره های تفرقه انگیز و از مبلغان فرقه وهابی و عامل قتل عام تعداد زیادی از شیعیان در مراسم عزاداری در پاکستان و کشورهای دیگر است. نمونه هایی از آثار و تالیفات او در تبلیغ آرا و سیاست های وهابیان و مبارزه با عقاید تشیع عبارت است از: الشیعة و اهل البيت، الشیعة و التشیع، الشیعة و القرآن و الشیعة و السنة.

#### ج. تأسیس مراکز فرهنگی، آموزشی و خیریه در ایالت بلوچستان پاکستان

وهابیان سعودی از شهریور ماه 1368، به بهانه کمک های آموزشی و انسان دوستانه به مهاجران افغان در ایالات بلوچستان، مراکز متعددی تحت عنوان «موسسه الدعوة الاسلامیة»، «ادارة الاسراء»، «موسسه مكة المكرمة الخیریه» و «موسسه مسلم» تأسیس کردند و از طریق کمک های مالی، فرهنگ ضد شیعی وهابیت و سیاست های ضد ایرانی خود را تبلیغ می کردند. نیز از طریق توزیع کتاب، جلسات سخنرانی، فیلم، نوار و عکس به آوارگان و مهاجران سنی مذهب مقیم این ایالت آموزش هایی می داند.

وهابیان از این راه به ترویج افکار و اندیشه های محمد بن عبدالوهاب در پاکستان می پردازند.

## افغانستان

گروه طالبان از قوم پشتون (بزرگ ترین قوم افغانستان) هستند که به دست ارتش I.S.I، سپاه صحابه، جمعیت العلماء پاکستان و مدارس دیوبند (محل آموزش اندیشه ها و پندارهای وهابیان) شکل گرفتند.

هر چند طالبان، مدعی استقرار شریعت غرّای محمدی (ص) هستند و خود را حنفی مذهب و صوفی مشرب قلمداد می کنند؛ ولی اعمالشان نشان دهنده احیای سنت های قومی قبيله ای 250 سال گذشته پشتون ها است.

این باورها و سنت ها شباهت زیادی با عملکرد وهابیان دارد، به طوری که شواهد موجود نشان حمایت کامل سیاسی، فکری و اقتصادی عربستان از آنها است. نام این گروه در دوازدهم اکتبر 1994 میلادی برای نخستین بار روی تلکس خبرگزاری ها رفت و در سایه حمایت مالی و نظامی دولت پاکستان، امریکا، عربستان سعودی و امارات عربی متحده، توانستند مناطق وسیعی را از دست دولت اسلامی افغانستان خارج کرده، به تصرف خود در آورند. 26

### نقش عربستان سعودی در ظهور و رشد طالبان

عربستان از زمان های گذشته، به ویژه در زمان اشغال کشور افغانستان توسط شوروی (سابق)، به چند دلیل عمده به مسائل این کشور توجه داشته است:

1. ممکن بود در صورت ادامه اشغال، شوروی سابق بتواند، برای رسیدن به منافع نفتی خلیج فارس، اقدام کند.

2. ادامه اشغال و گسترش نظام کمونیستی، اعتقادات مسلمانان جهان و افغانستان را در معرض خطر قرار می داد.

3. ادامه اشغال افغانستان و حمایت ایران از گروه های جهادی شیعه، با ایفای نقش ام القرای عربستان سازگار نبود.

4. مسئله رقابت با نفوذ رو به گسترش جمهوری اسلامی ایران در کشورهای آسیای میانه، به ویژه پس از فرو پاشی شوروی و نظام کمونیستی آن مطرح بود.

با توجه به دلایل مزبور، عربستان به طور جدی، در مسائل افغانستان دخالت کرد؛ به گونه ای که در سال های 1992 1994 مبلغ دو میلیارد دلار به پشتون ها کمک مالی کرد. 27 و در حمایت از گروه های جهادی مخالف ایران، مبلغ 150 میلیون دلار به دولت ربانی شاه مسعود کمک کرد.\* همچنین دولت عربستان در کنار پاکستان، به حمایت مالی و نظامی از جنبش طالبان پرداخت و بخش عمده مبلغ هفتاد میلیون دلاری خرید تسلیحات نظامی طالبان را بر عهده گرفت.

عربستان در پشتیبانی از طالبان، دو انگیزه اساسی داشت: نخست آنکه عربستان خود را ام القرای جهان اسلام می داند و کمک به مسلمانان را نوعی وظیفه دینی و الهی برای خود معرفی می کند.

انگیزه دوم، رقابت بانفوذ رو به رشد ایران در افغانستان و آسیای مرکزی، و منروی ساختن جمهوری اسلامی ایران بود که خود را ام القرای جهان اسلام می داند. 28

دولت عربستان در تاریخ 1997/5/26 به شکل صریح ضمن به رسمیت شناختن حکومت خودخوانده گروه طالبان، سفارت ریاض در افغانستان را تحویل آنها داد.

### وهابیت در مصر

در خصوص اقدامات وهابیت در مصر، باید یادآور شد که اهم فعالیت های آنها کارهای خدماتی است، به همین دلیل، چهره فرهنگی آنان برای مردم تقریباً مغفول مانده است. مردم مصر اگر

چه سنی مذهب هستند؛ ولی حضور تاریخی اهل بیت (ع) یا سلسله های شیعی حاکم بر این کشور در ادوار گذشته، تأثیر عمیقی بر آداب، رفتار و عقاید مردم گذاشته است و به شدت به اهل بیت (ع) علاقمند بوده، گاهی این تعبیر را به کار می برند که ما سنتی المذهب و شیعی الهوی ایم. همچنین نقش اجتماعی دو گروه صوفیه و اشراف (سادات) را در این کشور، نباید نادیده گرفت، زیرا وهابیون از هر دو گروه بیزارند و در نوشته های خود رسماً صوفیه را منحرف می نامند.

جماعه انصار السنة المحمدیه که در سال 1926 توسط شیخ محمد حامد الفقی، با هدف مبارزه با بدعت ها و کارهای جدید و خرافات ایجاد شد، گرچه عبدالوهاب را از اصلاح گران دانسته و از او تقدیر می کنند؛ اما خود را وهابی نمی نامند؛ ضمن آنکه بخش اندکی از شیعه را کافر نمی شمارند؛ ولی آنها را گمراه می دانند. این گروه در سال های اخیر ارتباط قوی ای با سردمداران وهابی داشتند و به نوعی بر خلاف دیدگاهی که نسبت به وهابیون دارند، به ترویج آرا و افکار آنان از نوع خود می پردازند. 29

### وهابیت در آسیای مرکزی و قفقاز

اصلاح وهابیزم، از آغاز جنگ داخلی در تاجیکستان، در مطبوعات روسیه رواج یافت. در آن زمان روزنامه «مسکو سکید نمی ستی» نوشت: یک گروه از مسلمانان که خبرنگاران آنها را وهابی می نامند، به تخریب مسجدی در دامنه رشته کوه های پامیر، به علت عدم جهت یابی درست به سمت مکه و وجود یک چراغ که بازمانده زرتشت، دین پیشین مردم این منطقه بود، اقدام کردند و اسلام حنیف خواستار علامت گذاری قبله مساجد به سمت مکه بوده و عدول از قوانین الهی را که توسط پیغمبر برای مسلمانان ارسال شده، جایز نمی داند.

فقدان یک دستگاه تنظیم کننده روابط بین مومنان و افکار ناهمگون در جامعه اسلامی، موجب ایجاد تنوع و برداشت های مختلف از موازین اسلامی شده است. به دنبال آن گروه هایی برای ایجاد اصلاح در دین اسلام ظهور کردند که یکی از آنها وهابیت است که در قرن 17 در پادشاهی عربستان سعودی تشکیل شد که ویژگی بارز آن عدم تساهل نسبت به عقاید دیگر فرق اسلامی است.

در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز شمالی که اسلام صوفی رایج بوده و خصوصیت محلی دارد، جنبش نوسازی تحت عنوان وهابیزم ایجاد شده است. مروج افکار وهابیت در منطقه، واعظانی هستند که از بعضی کشورهای عربی و اسلامی به منطقه آمده اند. نخستین پیروان آنها یا جوانانی هستند که بعد از شروع پروستریکا از امکان تحصیل در مراکز الهیات خارج کشور برخوردار شده اند یا جوانانی هستند که به دلایل شخصی یا اجتماعی، با سیستم تقسیم قدرت، نفوذ، حیثیت و ثروت در جامعه مخالف اند.

بسیاری نویسندگان که در مورد علل پیدایش وهابیت در کشورهای مستقل مشترک المنافع تحقیق می کنند، به نقش عربستان در حمایت و تأمین بودجه جنبش وهابیت اشاره می کنند. در ابتدای تشکیل این کشورها، هزینه تعمیر و احداث مساجد، آموزش ابتدایی اسلامی، اعزام دانشجویان به دانشکده های مذهبی خارجی، انتشار کتب اسلامی، آموزش زبان عربی و اعزام مسلمانان برای انجام مراسم حج، توسط عربستان تأمین شده است، به همین دلیل برخی نویسندگان مدعی هستند که جنبش وهابیت تنها با کمک های عربستان شکل گرفته است.

پدیده وهابیت در منطقه قفقاز شمالی، دارای ویژگی های ملی است که سعی می کند، با پیوستن به خانواده های مسلمان از روسیه جدا شود. ساختار جامعه در این منطقه به گونه ای

است که ریش سفیدان، رهبری مذهبی و عرفی جامعه را بر عهده داشته، کنترل و پرورش افکار عمومی را در اختیار خود دارند. در چنین شرایطی که وهابیزم خواستار برابری حقوقی همه مسلمانان است، ممکن است رهبران مذهبی نفوذ سابق خود را بر جامعه از دست بدهند.

رهبران منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، بارها نگرانی خود را نسبت به تلاش وهابیت جهت تحکیم مواضع خود در منطقه اعلام کرده اند و رسانه های گروهی، هر روز در مورد فعالیت آنها در جمهوری تاجیکستان و ازبکستان مطالب زیادی می نویسند. در حقیقت می توان اینگونه نتیجه گیری کرد که رشد وهابیت، پاسخی به اوضاع آشفته اقتصادی و اجتماعی کشورهای منطقه است. 30

### وهابیت در کشورهای دیگر

کشور بزرگ هندوستان (دومین کشور جهان از نظر جمعیت) که دارای نژادهای جمعیتی و گرایش ها و مذاهب گوناگون است، یکی از مناطقی است که به ویژه پس از استقلال پاکستان و رسمیت یافتن مذهب و زبان هندو، از فعالیت های تبلیغاتی وهابیت در امان نمانده است.

در سایه کمک ها و حمایت های مالی و تبلیغاتی وهابیان سعودی، به دلیل فقر شدید مسلمانان، گرایش به آیین وهابیت در میان مردم هند زیاد است.

ایران اسلامی و مردم سنی مذهب ساکن مناطق مرزی نیز از تبلیغات سعودیان وهابی در امان نمانده و این مسئله پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تشدید شده است. در مدارس علمیه اهل سنت، مشاهده شده که کتاب های ابن تیمه و محمد بن عبدالوهاب، به صورت آشکار برای طلاب تدریس و دیگر کتاب های وهابیان، به صورت اهدایی بین طلاب و روحانیان منطقه توزیع می شود.

جزایر قشم و کیش، به دلیل نزدیکی به کشورهای خلیج فارس و دریافت و مشاهده صدا و تصویر تلویزیون های منطقه که آیین وهابیت را تبلیغ و از نظام شیعی حاکم بر ایران اسلامی انتقاد و بدگویی می کنند، در معرض آسیب و حتی خطر گرایش به وهابیت قرار دارند.

مسلمانان شوروی سابق (قریب به 70 میلیون نفر) و کشورهای تازه استقلال یافته، همان طور که در بخش قبلی توضیح داده شد، مورد طمع سیاست های تبلیغاتی وهابیان بوده و هستند. سالانه میلیون ها جلد قرآن با چاپ نفیس، اهدایی پادشاهی عربستان سعودی در بین مردم، به صورت رایگان توزیع می گردد. تاسیس مسجد، مراکز مذهبی کمک های مالی برای مسلمانان و ارسال و اهدای کتاب ها و نشریات، مبلغان مذهبی و قاریان قرآن برای اقامه جماعت و سخنرانی و قرائت قرآن، از دیگر برنامه های وهابیان سعودی برای مسلمانان این کشورها است.

کشور آلبانی با قریب به 3 میلیون مسلمان حنفی مذهب، علیرغم همه فشارهای قرون وسطایی دوران سلطه کمونیست ها، پس از فرو پاشی شوروی سابق، آمادگی زیادی برای پذیرفتن تبلیغات اسلامی را دارد که دستگاه های سعودی با اهداف قرآن، کتب و نشریات، تأسیس و تکمیل مساجد و دعوت مسلمانان برای بازدید از اماکن مقدسه مکه و مدینه در ایام حج و غیر آن، و پذیرش دانشجو، از فرصت پدید آمده استفاده می کنند.

جزایر مالدیو، سریلانکا در اقیانوس هند، کشورهای کنیا، اتیوپی، اوگاندا، غنا، نیجریه، مالی، سنگال، لیبی، استرالیا، کانادا و... از دیگر مناطقی هستند که رژیم آل سعود، با شیوه های گوناگون، در این کشورها به تبلیغ اسلام وهابی (اسلام سلفی) می پردازند. 31

پی نوشت:

- محمد جواد فاضل لنکرانی، «مبانی فکری و کارنامه ننگین فرقه ضاله وهابیت»، 11383/12/3 ص 1.
- طوبی کرمانی، «نگاهی بر وهابیت»، مقالات و بررسیها، تابستان 1382. ص 1، همچنین رجوع شود به سایت اینترنتی جهاد دانشگاهی.
- محمد جواد فاضل لنکرانی، پیشین، ص 17.
- همان، ص 20.
- همان، ص 17.
- همان، ص 21.
- سایت اینترنتی جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- همان.
- طوبی کرمانی، «نگاهی به وهابیت»، پیشین، ص 13.
- الیاسینی، ایمان، دین و دولت در عربستان سعودی»، ترجمه اکبر عزیزنیا، سایت اینترنتی باشگاه اندیشه، 1383، ص 7.
- طوبی کرمانی، «نگاهی بر وهابیت»، پیشین، ص 14.
- الیاسینی، «ایمان، دین و دولت در عربستان سعودی»، پیشین، ص 33.
- طوبی کرمانی، پیشین، ص 16.
- سید محسن امین، کشف الارتیاب، (تاریخچه و نقد بررسی عقاید و اعمال وهابیهها)، 4 کوشش سید ابراهیم سید علوی، تهران، 1367.
- الیاسینی، پیشین، ص 34.
- حسین خلف، تاریخ الجزيرة العربیه فی عصر الشیخ محمد بن عبدالوهاب (حیة الشیخ محمد بن عبدالوهاب)، بیروت، 1968 میلادی، ص 176.
- طوبی کرمانی، پیشین، ص 21.
- محمد حسین ابراهیمی، «تحلیلی نو بر عقاید وهابیان»، قم، 1370، ص 18.
- همان، ص 20.
- زینی دحلان، فتنه وهابیت، ترجمه همایون همتی، نشر مشعر، بی جا، بی تا.
- عباس جعفری، فرقه وهابیت و عملکرد آن در تاریخ معاصر، نشریه معرفت، شماره 292، 1383، صص 91 92.
- حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، شناخت عربستان، ص 128.
- عقیدتی سیاسی نیروهی انتظامی، نگاهی به ماهیت و عملکرد فرقه ضاله وهابیت، 52.
- حافظ تقی الدین، احزاب و نهضت‌های سیاسی پاکستان، ص 503. به نقل از مرتضی زید، 24 علل تفرقه گرایی در پاکستان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، 1380، ص 52.
- «تلاش گروه‌های تروریستی وهابی علیه ایران»، روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ 1369/10/5، شماره 3355.
- مرکز مطالعات فرهنگی بین المللی، «جریان پرشتاب طالبان»، ص 48.
- همان، ص 117. به نقل از انور الحق احدی (کارشناس مسایل خاورمیانه) در مصاحبه 27 مجله میدل ایست، 1994.
- حمید احمدی، «طالبان، علل و عوامل رشد»، «اطلاعات سیاسی اقتصادی»، شماره 281

132، ص 32.

29. وهابیت در مصر، نشریه چشم انداز، شماره 7، اسفند 1382، ص 45.  
بخش مطالعاتی سفارت ایران در مسکو، «وهابیت در آسیای مرکزی و قفقاز»، ماهنامه  
دیدگاه ها و تحلیل ها، شماره 137، صص 74 76.  
عباس جعفری، فرقه وهابیت و عملکرد آن در تاریخ معاصر، نشریه معرفت، پیشین، صص 98  
97.